

## دلهره خروج

طوريكه اوضاع افغانستان و متكي به آن موضعگريها و تردد هاي ظاهري كشورهاي كمك كننده و در رأس همه اضلاع متحده امريكا نشان ميدهد، تمام نشست ها، جلسات، كنفرانس ها و ... پيرامون مسأله افغانستان از تنازع منافع انگليس ها با اضلاع متحده امريكا متأثر است.

مقامات دولت انگلستان كه از رد نماينده انگليسي سازمان ملل متحد توسط جلالتمآب حامد كرزي سخت متأثر شده بودند، به آبروريزي رئيس جمهور افغانستان تا سطح ملي و بين المللي به اطفای آتش انتقام خویش نایل آمدند.

عملکرد مشکوک انگليس ها در مناطق تحت كنترول ايشان، بخصوص در هلمند به منظور تعقيب اهداف خاص سياسي كه بعضاً در تناقض با استراتيژی مشترك، كه همه اعضاي ناتو به آن موافقه نموده اند، قرار ميگيرد، بالاخره قصر سفيد را به آن واداشت تا به تمثيل عقب نشيني توسل جويد. اين تمثيل كه براي مدت بيشتر از سه ماه طول كشيد، با طرح جديديكه بدون شك منافع هر عضو پيمان نظامي ناتو، به ويژه انگلستان در آن مضمر است، پايان يافت.

به هر ترتيب، رئيس جمهور اوباما بالاخره طرح خویش را كه تفاوتی چندانی (جز تسجيل امكان خروج نيرو ها منحيث عامل ارزشدهی به حضور آنها كه بنا به عدم دستيابي و تعقيب اهداف اعلان شده از ارزش آن كاسته شده) با تصاميم اخذ فیلی نداشت، اعلان نمود.

آنچه از آغاز كار طرح جديد براي افغانستان تا اعلام رسمي قابل دقت است، تهديد هاي غير مستقيم انگليس هاست كه از يكسو دولت تحت رهبري جلالتمآب حامد كرزي و از جانب ديگر قصر سفيد را مد توجه داشت.

مقامات انگليس با تبليغ سهولت سقوط افغانستان به دست طالبان، دولت افغانستان را تهديد نموده از جانب ديگر با نشر خبر كشته شدن اسامه بن لادن طی عمليات نظامی در توره بوره، از طريق سايت بی بی سی، اضلاع متحده امريكا را تحت فشار قرار ميدهد. نشر خبر كشته شدن رهبر القاعده بيشتر از ارسال نيروهاي كمكي، حضور ساير نيروهاي امريكائي و ناتو را نيز زير سوال ميبرد.

ولي، همينكه مقامات امريكا و انگليس، در عقب پرده به موافقه هايي نایل آمدند، دوباره اخبار گهنه ای امكان دستگيري اسامه بن لادن منحيث فرصت از دست رفته در همان سايت به نشر سپرده شد و بدین ترتيب بر ضرورت حضور قوتهاي نظامی در منطقه و دوام ماموريت آنها مهر صحه گذاشته شد.

واقعيست آنست كه از زمان سقوط ديوار برلين كه يكي از معاونان وزير خارجه اتحاد شوروی سابق، محروميت از دشمن را به اعضاي پيمان ناتو هشدار داده بود، تمام سياستهاي خارجي (و حتی بعضاً داخلي) كشورهاي عضو پيمان متذکره بر بنياد ترس و هراس استوار است.

ايجاد ترس از نفوذ اسلام در اروپا جهت مبارزه با اسلام، ايجاد ترس از القاعده به منظور ايجاد سهولت در تعقيب اهداف آزمندانه در منطقه، ايجاد هراس از امكان دستيابي ايران به سلاح هسته ای، جهت تشديد تعزيرات عليه دشمن ايدئولوژيك، حفظ و تشديد شرايط ترس و وحشت و وخامت اوضاع بعضی از كشورهاي افریقایي بخاطر طرح هاي بعدی جهت تکميل حلقه حاکميت بر جهان و جهانی سازی حاکميت، و ... ، ...

ترس و هراس تخليی متضمن ايجاد دشمن تخليست. دشمنی كه ضرورت وجود آن، بعد از فروريزی ديوار برلين محسوس است. دشمنی كه دوام اتحاد دوستان و شرکای دوره جنگ سرد را تضمين مينمايد.

اخيراً اساتيد دانشمندی چون جناب رفعت، محترم استانيكزي و رئيس دفتر مطالعات استراتيژيك وزارت امور خارجه نظريات خویش را پيرامون استراتيژی جديد قصر سفيد در قبال افغانستان اظهار نمودند كه خبر آن خیلی جالب تهيه شده بود:

"دكابل پوهنتون استاد احمد ضيا رفعت وويل، كه افغان خواكونه خود كفا هم شي نو بيايه هم د يوي مودي لپاره په دي هېواد كي دبهرنیو خواكونو موجوديت ته ضرورت وي خكه، چي دده په خبره بنيابي خيني گاوندي هېوادونه يو خل بيا دي هېواد ته امنيتي او نورې ستونزې جوړې كړي: "افغانستان په خولسيزه نورهم دخينو گاوندېو هېوادونو گواپونو ته په اندېبنه كي وي، نوخكه مور وايو، چي بايد افغانستان داسي ضمانتونه ترلاسه كړي، چي نور به خيني گاوندي هېوادونه، چي په پوخي لحاظ ډير پياوړي هم دي. دي هېواد ته ستونزې نه جوړوي.

دافغانستان دبهرنیو چارو وزارت د ستراتيژيكو مطالعاتو دمرکز رئيس داود مراديان وويل: "له افغانستان خخه دامريكا تدريجي پوخي وتل مور ته دمنلو وړ دي، خو له افغانستان خخه دامريكا ستراتيژيك وتل به مور ته ډيري

اندېښنې پيدا كړي خو له نيكه مرغه د ښاغلي اوباما د تېرې شپې په خبرو كې په دې ټينگار وشو چې امريكا به په افغانستان كې اوږدمهاله ستراتيژيكي حضور ولري.

په عين حال كې د كابل پوهنتون د حقوقو او سياسي علومو د پوهنځي استاد نصرالله ستانكزي په دې باور دى، چې امريكا بايد د پخواني شوروي اتحاد تېروتنې تکرار نه كړي او له افغانستان سره خپلو هر اړخيزو مرستو ته هغسې دوام وركړي، چې ددې هېواد خلك او حكومت يې غواړي".

خبر دقيقاً از دید طراح یک پلان طوری تهیه شده بود که در ابتدا عواملیکه باعث طرح گردیده و بعداً چگونگی جریان آن و نهایتاً اکمال و بهره برداری از پروژه، مورد بحث قرار گرفته بود. در خبر، ابتدا از زبان آقای رفعت در مورد علل حضور نظامی ناتو، در صحبت آقای رئیس مطالعات استراتژیک، جریان عمل به تعقیب اصدار دستور افزایش نیرو و در گفتار جناب استانیکیزی، دستیابی به اهداف و عواقب پروژه در نظر گرفته شده است.

اگر طوری دیگری به این خبر توجه نمائیم، اولی از موضع نیاز، دومی از موضع تسلیم و سومی از موضع قدرت صحبت نموده، فرمان میدهد.

اولی دست افغانستان را چنان به دامن امریکا گره میزند که تا زمان دستیابی کشور به نیروی اتمی نباید امریکا از آنجا خارج شود.

دومی به شیوه اکثر نمایندگان دولتهای پوشالی به تمجید و تحسین از تصمیم بادران خویش پرداخته و سومی تقاضا هایی را مطرح نموده است که تنها ملت ها از رهبران منتخب خویش به عمل می آورند.

از جانب دیگر احزاب سیاسی ای طی گردهمایی بر علاوه آنکه خواستار حذف اسمای رهبران مخالفین به ویژه گلبدین حکمتیار و ملا محمد عمر از لست سیاه شده اند، تأکید نیز نموده اند که امریکا در استراتژی خویش تغییراتی را وارد نماید؛ زیرا آموزش نیرو های امنیتی افغانی تا دو سال ناممکن است.

آیا میتوان از نمایندگان این احزاب پرسید که در صورت کنار آمدن گلبدین حکمتیار و ملا محمد عمر با دولت افغانستان، کدام نیروی مهمی دیگری باقی خواهد ماند که عدم آمادگی نیرو های امنیتی افغانی موجبات اضطراب را فراهم آورد؟

این در حالیست که خانم هیلاری کلنتن طی صحبت با وزرای خارجه کشورهای عضو پیمان ناتو اظهار داشت که فقط در صورت آماده شدن شرایط از افغانستان خارج میشوند.

آنچه واضح است اینست که امریکا برای همیشه در افغانستان باقی نخواهد ماند، عدم وضاحت سخنرانی "دخول و خروج" اوباما مبین باز نگهداشتن دروازه های خروجیست؛ ولی شاید در هر قرن یکبار چنین سهولت برای لشکر کشی قدرت ها در منطقه آماده شود. بناء سخن گفتن از خروج، قطعاً به مفهوم رفتن به صوب همسایگان نیست که در سناریوی نوشته شده در فصر سفید، به القاعده و رهبران آن پناه داده است. به همین علت روزنامه فاینانشل تایمز نوشت: "امریکا می گوید که پاکستان در مساله هدف قراردادن شبکه القاعده و طالبان در امتداد سرحدات افغانستان ناکام مانده است".

اوباما طی سخنرانی خویش تأکید نموده گفت: "ما باید جلوی دسترسی القاعده به یک پناهگاه امن را بگیریم. ما باید قوت طالبان را تضعیف کنیم و این توان را از آنان بگیریم که حکومت مرکزی را سقوط دهند. و بالاخره ظرفیت های نیروهای امنیتی افغانستان و حکومت این کشور را تقویت کنیم تا آنان بتوانند مسئولیت آینده افغانستان را به عهده گیرند... ما در افغانستان هستیم تا سرطانی را که زمانی در آن کشور در حال پخش شدن بود، ریشه کن سازیم. اما این سرطانی است که در مناطق سرحدی پاکستان هم ریشه دوانیده است و به همین دلیل ما به یک استراتژی ضرورت داریم تا هر دو طرف مرز روی آن همکاری کنند.

... سه عنصر عمده استراتژی ما اینها هستند: تلاشهای نظامی با هدف ایجاد شرایط برای خروج از افغانستان، افزایش کمک های غیرنظامی برای موثریت بیشتر و مشارکت موثرتر با پاکستان"

در حقیقت این سه عنصر تعویض سه عنصر عمده (دموکراسی و اسلوب حکومتداری، رفاه و امنیت) در افغانستان است که در متن اعلامیه مشترک افغانستان و امریکا درج گردیده است.

آقای جیمز جونز مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز بر اهمیت از بین بردن مخفیگاه های القاعده و تضعیف آن صحبت نموده؛ وزیرستان شمالی را محل اختفای اسامه بن لادن معرفی کرد.

از سوی دیگر تمام ماشینهای تبلیغاتی قدرتها بکار افتاده اند تا اسامه را دوباره در ذهنیت ها زنده نمایند. اقرار یکی از دستگیر شده گان توسط نیروهای ناتو مبنی بر زنده بودن اسامه و سفر موصوف به غزنی افغانستان و تهدید های عمال امریکا در آنسوی سرحد از شکست امریکا در جنگ افغانستان و انتشار آن از طریق رسانه ها زمینه سازیهایست جهت استقرار قوت های ناتو، بخصوص امریکا و انگلستان در آنسوی سرحد.

به هر ترتیب، زنده نمودن دوباره اسامه بن لادن با نشر خبر فرصت از دست رفته در سال ۲۰۰۱، مبین آن است که

امریکا، باوجود صحبت از آغاز برنامه خروج بعد از یک و نیم سال، برای مدت طولانی در منطقه حضور خواهد داشت و سیاستگذاران ما، بدون توجه به اعلامیه مشترک اضلاع متحده آمریکا و افغانستان در مورد همکاری های استراتژیک، مؤرخ ۲ جوزای ۱۳۸۴ که در پای آن رؤسای جمهور دو کشور امضا نموده اند و تأمین دموکراسی و اسلوب حکومتداری، رفاه و امنیت در افغانستان سه اصل عمده ایرا که بر محور آن اعلامیه متذکره ترتیب یافته است، تشکیل میدهد، مجدداً تقاضا هایی مینمایند و از آنچه آمریکا در اجرای آن مکلفیت دارد، منحنیت منتهی تمجید مینمایند.

اینکه آمریکا برای مدت طولانی به منطقه آمده است به این مفهوم نیست که همه این مدت را در افغانستان باقی خواهد ماند. چنانچه صحبت آقای اوباما در رابطه به پاکستان مبین تمایل آمریکا و ناتو در جهت استقرار نیرو هایشان در مناطق قبایلی پاکستان است.

افغانستان میتواند متکی به اعلامیه مشترک، آمریکا را به اجرای تعهداتش بطلبد و به جانب امریکائی ضرورت تشدید کار در جهت فرهنگی، تعلیمی و تحصیلی و مذهبی را منحنیت کار اساسی تفهیم نموده، مجدانه و صادقانه در این راستا عمل نماید. در غیر آن، ضرورت حضور نظامیان ناتو در هر زمانی برای افغانستان محسوس خواهد بود، نه برای اعضای پیمان متذکره.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ